



«ادامه دهندگان»، گامی به جلو

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) به رهبری رفیق مجید که در ۱۹۷۹ از انشعاب «گروه انقلابی خلق های افغانستان» به وجود آمد، یکی از سازمان های انقلابی کشور ما بود که در جریان تجاوز سوسیال امپریالیزم به مبارزه مسلحانه پهلوزد. ساما نبرد مسلحانه را تا آخر ادامه داد و انقلابیون بسیاری به شمول رهبران (مجید و رهبر) را در آزمون این نبرد به تاریخ جانباختگان میهن سپرد. نبردی که با ماهیت ضد استعماری و خروش توفان آسای مردم آغاز شد و بعد از ۱۹۸۲ چنگال استعماری امپریالیزم امریکا با قلاده بندگان مزدور جهادی اش آرام آرام رهبری جنگ را غصب کرد و دیگر چون روز روشن معلوم شد که اهدای خون کمونیستهای انقلابی جز تلاش برای به قدرت رساندن رهبران مزدور و خونریز جهادی چیز دیگری نیست، چنانچه در حملات پیاپی نیروهای سیاه اخوانی با امکانات وسیع امپریالیستها، نه تنها تعدادی از رزمندگان سامایی جان باختند بلکه عده ای زیر فشار سنگین این رویارویی ها جبراً به آویختن قلاده ملیشه ای در خدمت استعمار شوروی قرار گرفتند. خون رزمندگان سامایی که دیگر نمیتوانست چون خار خلنده ای برای امپریالیستها و مزدوران شان قابل تحمل باشد، سنگفرش های شمالی، هرات، پشاور، مزار، فراه، نیمروز و نقاط دیگر کشور را لاله باران کرد و بالاخره رهبری کامل جنگ رهاییبخش را اخوانی ها و سرسختان دیگر ضد کمونیزم در چنگ گرفتند. اشتباه سنگینی که سازمان رهایی افغانستان نیز تا آخر بر آن راه رفت و این دو سازمان در جریان نبرد، بیش از ۵۰۰ کمونیست انقلابی را به تسلیخگاهی قربان کردند که بالاخره مزدوران پستی چون مجددی و ربانی به قدرت رسیدند، و این مسئله بعد از ۱۹۸۲ کاملاً آفتابی بود.

درگیری ها در برابر مزدوران اخوانی، شکست و ریخت ها، تسلیم طلبی ها، چند دستگی ها، شهادت ها، دستگیری ها و اعدام ها و با آخرین ضربه شهادت رفیق «رهبر»، ساما در وضعیت به شدت متلاطمی قرار گرفت. نزدیکی گروپهایی زیر نام «ساما» با جنایتکاران دوستمی، احمدشاه مسعودی و اسماعیل خانی ضربه کاری تری بر وجهه این سازمان و در مجموع جنبش شعله ای وارد ساخت. انارشی حاکم بر «ساما» بعد از تجاوز امپریالیستهای خونخوار غربی بر ملک ما، بخشی از کادرهای این سازمان را با ایجاد حزب قانونی و سرکاری با کنگره های علنی در توجیه اشغال، دموکراسی و پلورالیزم بورژوازی و تأیید دولت پوشالی به تسلیم طلبی سختی کشاند و با این سقوط، کشتی تکه پاره ساما، ناخدا یا ناخدایانی می طلبید تا آخرین نبض نیم مرده اش را به احیای مجدد میبردند. بالاخره عده ای از کادرها و فعالان ساما تکان خورده تا راه ساما را ادامه دهند. این عده با پخش اعلامیه ای نوشته اند: {کادرها و فعالان «ساما» که تا حال به خاطر نجات عده ای نیالوده از این ورطه، مداراجویانه عمل کرده بودند دیگر کار را یکسره دیدند و نهایتاً برای جلوگیری از انحلال سازمان به تدویر «کنفرانس کادرها و فعالین سازمان آزادیبخش مردم افغانستان» (ساما) در هژدهم ثور ۱۳۹۰ اقدام نموده و ضمن تحلیل، تجزیه و نفی کامل

انحرافات، مکرراً بر تداوم راه شهدا تا رسیدن به آرمان والای شان تعهد بستند و با انسجام بهتر خود و صفوف پاکباز سازمان چون سدی آهنین در مقابل پلورالیزم تشکیلاتی و انحلال قرار گرفتند، کنفرانس کادرها و فعالین ساما که کنفرانس «احیا و تداوم ساما» نام گرفت، برای تفکیک سازمان از تسلیم طلبی که احياناً جهت معاملات شان بخواهند نام سازمان را یدک بکشند، مشخصه «ادامه دهندگان» را بر خود می افزاید. اینکه ادامه دهندگان کدام انحرافات «ساما» را تجزیه و تحلیل کرده، از آن درس تداوم کار و پیکار گرفته، مطمئناً در آینده برای درسگیری عمومی جنبش چپ انقلابی افغانستان در اختیار همگان قرار خواهند داد.

سازمان انقلابی افغانستان به عنوان سازمان پیشاهنگ و مسلح به ایدیولوژی مارکسیزم- لنینیزم- اندیشه مائوتسه دون که با پیکار سخت و بی امان، چهار سال قبل صف اش را با انحرافات و خیانت‌های رهبری سازمان رهایی جدا ساخت و در این مدت بر استوای راسخانه دفاع از مارکسیزم ایستاد، برگزاری کنفرانس کادرها و فعالین سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ادامه دهندگان) را قدم میمون و به پیش میداند، و در صورتیکه قادر به غلبه بر انحرافات گردند که خود بدانها اشاره نموده اند، مطمئناً به سود جنبش انقلابی کشور خواهد بود.

اعلامیه «ادامه دهندگان» به چند موضوع مهم و اساسی که در شرایط کنونی راه و رسم ایدیولوژیک سازمانهای چپ انقلابی را از کمونیستهای متلون و اپورتونیست مشخص می سازد، اشاره دارد: «پس از سقوط سوسیال امپریالیزم شوروی، باز در اکتوبر 2001 م تجاوز دیگری؛ اینبار نه توسط یک کشور متجاوز، بلکه توسط چهل و شش کشور متجاوز با گسیل بیش از صد و پنجاه هزار نیروی تاندان مسلح، به جلوداری سردمدار ترور و تجاوز، امپریالیزم خون آشام امریکا، به همدستی ارتجاع بومی به کشور ما صورت گرفت که در نتیجه میهن ما امروز در اشغال کامل امپریالیزم امریکا و متحدین آنست.» «... با تعویض نامانوس ترمینولوژی ها و هکذا به کاربرد ناهنجار اصطلاح «جامعه جهانی» و «سرمایه جهانی» به جای «امپریالیزم» ماهیت متجاوز، ارتجاعی، ویرانگر، خونریز، غارتگر و... امپریالیزم را که روزمره هزاران بار تبارز آنرا جهان به چشم خود شاهد است، دگرگونه بنمایانند و خاک بر چشم مردم می زنند تا خود از قبل آن به آب و نانی برسند.» «... با عمده ساختن دموکراسی در شرایط اشغال و رقابت با گروه های منحرف چپ نمای «ان جی او باز» و «مدالگیر» به گنداب تسلیم طلبی ملی و طبقاتی در غلتیدند.» «ادامه دهندگان» به درستی بر اشغال کشور، اصطلاح اشغالگرائه «جامعه جهانی» به جای امپریالیستهای خونخوار، مشخص کردن چپ منحرف و مدالگیر موضعگیری سیاسی و انقلابی خود را در برابر مهمترین مسایل کنونی کشور و سازمانهای چپ نمای ضد انقلابی مشخص ساخته که نمیشود در روزگار به شدت حساس کنونی مورد تأیید قرار نگیرد.

اعلامیه «ادامه دهندگان» در کنار اینکه به نحوی یکی از انحراف های حاکم گذشته بر «ساما» را در نهاد خود حمل میکند، به نکات اساسی و مهمی اشاره دارد که نشان میدهد تشکل جدید، بیش از قبل به سوی ایدیولوژی انقلابی طبقه کارگر و جرئت بیان آن میلان دارد: «ساما در بحبوحه مقاومت ضد سوسیال امپریالیزم به پاسخ نیاز مبرم پیشروترین طبقه رزمنده اجتماعی در پرتو ایدیولوژی پیشرو عصر بر مبنای ضرورت عینی جامعه به وجود آمد...»،

«باری در جریان مقاومت مسلحانه ضد تجاوز شوروی تومور خبیثه تسلیم طلبی دمل چرکین لیبرالیزم و ایدیولوژی زدایی بر پیکر سازمان جا خوش کنند...»، «... صف خود را از صف ساما و شهیدانش و از تاریخ و ایدیولوژی سازمان جدا کردند...»، «... نقطه عطف دیگریست که در سازمان که به انحراف تسلیم طلبانه و سنتریستی مهر بطلان زده و در پرتو ایدیولوژی دوران ساز عصر، بر تحقق وظایف برنامه ای خود...».

سازمان ساما در گذشته، هیچوقت در نوشته هایش از ایدیولوژی پیشرو عصر، پیشروترین طبقه، ایدیولوژی دوران ساز و... نه تنها نامی نمیرد بلکه بر فرق «ندای آزادی» ارگان مرکزی نشراتی اش «بسم الله...» می نوشت و سخنگوی «ساما» در مصاحبه بعد از شهادت رفیق «رهبر» کمونیست بودن او را اتهام دشمنان دانست. با اینکه در این اعلامیه از ایدیولوژی دوران ساز یاد شده و این مقوله کمونیست هاست که برای مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون به کار میبرند، اما در این اعلامیه نامی از این ایدیولوژی برده نشده است که معلوم میشود «ادامه دهندگان» تا هنوز همان سبک کار گذشته را تعقیب می نمایند. عدم بیان روشن ایدیولوژیک از یکسو راه را برای بروز انواع اپورتونیزم در سازمانهای انقلابی باز میکند و از سوی دیگر نشان میدهد که چنین بیان نامکملی عدم هم نظری کامل و نانظری همگون اعضا و کادرهای «ادامه دهندگان» را به نمایش میگذارد. تشکلات انقلابی که همان سازمانهای مارکسیستی اند، اگر واقعاً سلاح و ابزار پرولتاریایی باشند و بتوانند طبقه دوران ساز را رهبری کنند، در میان اعضا، کادرها و رهبری آنها باید «وحدت سیاسی، ایدیولوژیک، تشکیلاتی، برنامه و رهبری» وجود داشته باشد، در غیر آن چنین سازمانهایی نمیتوانند پیشاهنگ طبقه کارگر به حساب آیند.

«سازمان انقلابی افغانستان» سازماندهی جدید ساما را قدمی به پیش می داند، و انتظار دارد تا هرچه زودتر چون شمشیر برهنه از غلاف کنونی سر برآرد و در چند دستگی هایی که میان پیروان کمونیزم انقلابی مخصوصاً مائوئیزم، اندیشه مائو و آواکیانیزم جدید به وجود آمده، موقف خود را مشخص نماید. این از ضرورتهای بسیار مهم و جدی زمان ما است که نمی شود صرف با به کاربرد اصطلاح ایدیولوژی دوران ساز و طبقه دوران ساز، خط ایدیولوژیک خود را در میان این چند دستگی ها روشن کرد. سازمان ما که در تمام مسایل سیاسی، ایدیولوژیک و تیوریک، خط روشنی به زلالی آفتاب دارد، حاضر است این بحث را از دریچه تمایل به همکاری و جدل رفیقانه به پیش ببرد، زیرا این ضرورت روزگار دشوار کنونی و از وظایف کمونیستهای انقلابی یی به شدت متشتت و پراکنده است.

مرگ بر امپریالیزم در راه سوسیالیزم، به پیش!

سازمان انقلابی افغانستان

جوزای 1390